

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی  
۳۱ مارچ ۲۰۱۶

## آیا تروریسم در فرانسه و بلجیم، حمله «بربرهای وحشی» به اروپاست! (بخش یکم)

پس از حملات وحشیانه تروریست‌های اسلامی در پاریس، حملات مشابهی در بلجیم روی داد. بی‌تردید هر فرد انسان‌دوست و مخالف خشونت و آگاه بدون لحظه‌ای تردید این ترورها را که اغلب قربانیانش روزنامه‌نگاران نشریه شارلی عبود و شهروندان عادی فرانسوی و بلجیمی بودند را محکم و قاطع محکوم می‌کند.

اما گرایشاتی در غرب وجود دارد که این ترورها را به‌عموم «مسلمانان» و یا تهاجم «بربرهای وحشی» به‌غرب و تمدن اروپا با هدف تحریک احساسات مردم بر علیه مهاجران و خارجی‌ان و پناهجویان را تبلیغ می‌کنند. به‌ویژه گرایش‌های راست و راسیستی و نژادپرستی هر چه بیش‌تر این سیاست‌های غیرانسانی را تبلیغ و ترویج می‌کنند و حتی کمپ‌های پناهندگی را آتش می‌زنند.

در چنین شرایطی، بخشی از مهاجران خود را سرافکنده، برخی دچار رعب و وحشت و برخی نیز اگر در ظاهر هم نشان ندهند دست‌کم در دل‌شان خوشحالند که از اروپائیان «انتقام» گرفته می‌شود. اما بخش انسان‌دوست؛ سکولار؛ چپ؛ و کمونیست در عین حالی که تروریسم دولتی و غیردولتی را محکوم می‌کنند و هم‌زمان علیه هرگونه خارجی‌سنیزی و نژادپرستی هم‌دوش و هم‌بسته با جنبش‌های سیاسی و اجتماعی ضدجنگ و ضدراسیسم و ضدسرمايه‌داری مبارزه می‌کنند و برایشان فرقی ندارد که این نوع تروریسم در کجای جهان قربانی می‌گیرد آن را محکوم می‌کنند و در عین حال با مردم آن منطقه و کشور هم‌بستگی و هم‌دردی می‌کنند.

در هر صورت هر کس هر محصولی بکارد همان را نیز درو می‌کند. به‌عبارت دیگر خشونت، به‌خشونت، جنگ به‌جنگ، صلح به‌دوستی و آرامش و امنیت و رعایت حقوق شهروندی منجر می‌گردد. بنابراین، هرگز با جنگ و خونریزی و تروریسم دولتی و غیردولتی، انتقام‌گیری، به‌هیچ‌وجه دموکراسی و آزادی و امنیت برقرار نمی‌گردد.

اما هدف نویسنده در این مطلب، نه پرداختن به‌ترورهای وحشیانه گروه‌های اسلامی و غیراسلامی در اروپا و یا ۱۱ سپتامبر آمریکا، بلکه پرداختن به‌اقدامات تروریستی گروه‌های راسیستی و خارجی‌سنیز علیه پناهجویان و مهاجران، به‌تروریسم دولتی و غیردولتی در قاره‌های آفریقا و آسیا است. اما این تروریسم دولتی را هم سران و سخن‌گویان

دولت‌ها و هم ژورنالیست نوکر صفت رسمی، با آب و تاب صدور «دموکراسی» و «امنیت» می‌نامند تا این تجاوز و جنگ و کشتار و نسل‌کشی خود را در افکار عمومی جامعه، توجیه‌پذیر کنند.

واقعا چرا هنگامی که گروهی راسیست و نژادپرست کمپ‌های پناهندگی را با ساکنان آن به‌آتش می‌کشند دولت‌ها و روزنامه‌های رسمی آن را «حمله بربرهای وحشی اروپائی» به‌خارجی‌تباران و پناهجویان نمی‌نامند؟ یا در بهترین حالت چنین جنایاتی را با دستگیری و زندانی کردن یکی دو نفر سر و ته‌اش را سرهم می‌آورند تا دهان جامعه را ببندند. برای مثال، «آندرس برینگ برویک»، فردی که در پی حملات تروریستی در ناروی دستگیر شده، عمل خود را دهشتناک، اما ضروری توصیف کرده است.

مأموران پولیس متهم ۳۲ ساله نارویی را پس از کشتار جوانان سوسیالیست در جزیره اوتویا دستگیر کردند. بر اساس گزارش‌های پولیس، رسانه‌های نارویی و تارنمای شخصی متهم در فیس‌بوک، آندرس برینگ برویک یک «مسیحی بنیادگرا» است که عضو یکی از گروه‌های نژادپرست در ناروی بوده است.

در حملات وحشتناک روز جمعه ۲۲ جولای ۲۰۱۱، ۹۲ نفر کشته و ده‌ها نفر مجروح شده‌اند. نخست انفجار بمب در اسلو، پایتخت ناروی، که در نزدیکی دفتر کار نخست‌وزیر این کشور رخ داد، ۷ کشته و ده‌ها مجروح به‌جا نهاد. ساعاتی بعد برویک با چند اسلحه دست به‌کشتار جوانان در اردوگاه تفریحی جوانان در جزیره اوتویا زد. این جوانان در اردوی حزب سوسیالیستی کارگر ناروی برای گذراندن تعطیلات گردهم آمده بودند.

براساس گزارش تلویزیون ناروی، آندرس برینگ برویک در مانیفستی که بیش از ۱۵۰۰ صفحه دارد، پیش‌تر اعلام کرده بود: «اروپا باید از مارکسیسم فرهنگی و اسلامی شدن نجات یابد».

کشتار جوانان در «جزیره مرگ» حدود ۹۰ دقیقه به‌طول انجامید. به‌دلیل کوچکی این جزیره، امکان فرار برای بسیاری از جوانان وجود نداشت. متهم در زمان ارتکاب جرم اونیفورم پولیس بر تن داشت.

خبر این قتل‌عام خونین در ناروی، افکار عمومی جهان را تکان داد. حداقل ۹۲ نفر به‌قتل رسیده‌اند که ۸۴ نفرشان اعضای «سازمان جوانان کارگر» (AUF) بودند که در اردوئی تابستانی شرکت کرده بودند. این جزیره را اتحادیه‌های کارگری اسلو به‌این سازمان بخشیده بودند و مکانی با اهمیت نمادین بسیار برای کل جنبش کارگری بود.

اوله تورپ، خبرنگار شبکه «ان.آر.کی» به بی‌بی‌سی گفت: «با لباس پولیس و سوار بر قایق از ساحل به‌این جزیره کوچک نزدیک ساحل آمد و گفت می‌خواهد تحقیقاتی در رابطه با بمب‌گذاری‌ها انجام دهد». شاهد عینی دیگری توضیح می‌دهد که قاتل با این ادعا آمده بود که افسر پولیس است و آمده در مورد بمب‌گذاری در اسلو صحبت کند و آدم‌های کافی که جمع شدند، تیراندازی آغاز شد.

در لحظه‌ای هر اسنک، جوانان با مایو و لباس شنا بر تن به‌گلوله بسته شدند. وحشتی باورنکردنی برقرار شد و جوانان برای نجات جان‌شان به‌دريا می‌پریدند و حین شنا کردن و دور شدن از صحنه کشتار، به‌قتل می‌رسیدند. بعضی‌ها پشت صخره‌ها سنگر گرفتند یا هراسان در غارها پنهان شدند و مرد مسلح افراد بی‌دفاع را یکی پس از دیگری به‌قتل می‌رساند.

او با لباس پولیس دور و بر جزیره راه می‌رفت، مردم را صدا می‌کرد و وقتی از جایگاه خفایشان بیرون می‌آمدند به‌آن‌ها تیراندازی می‌کرد. الیز ۱۵ ساله، لباس پولیس را که دید فکر کرد امن و امان است اما بعد تیراندازی آغاز شد. الیز می‌گوید: «اول به‌کسانی که در جزیره بودند شلیک کرد. بعد شروع کرد تیراندازی به‌سوی کسانی که در آب بودند».

چندین قربانی وانمود کردند مرده‌اند تا جان سالم به‌در ببرند. اما این فرد با یک تفنگ که قربانیان را کشته بود، تفنگ شکاری دیگری در آورد و دوباره به‌سرشان شلیک کرد.

نخست انگشت اتهام بلافاصله به سوی القاعده نشانه رفت. به عقیده او، غیر از این گروه تروریستی، چه کسی و جریانی می‌توانست چنین ترور هولناکی را انجام دهد؟ امکان چنین حملاتی به دست افراطگرایان اسلامی همیشه موجود بود، با توجه به این‌که ناروی به افغانستان نیرو فرستاده و حزب کارگر ناروی از این حرکت حمایت می‌کند و سازمان جوانانش هم مخالف آن نیست. رئیس جمهور آمریکا اوباما، بلافاصله صمیمانه‌ترین همدردی خود را ابراز کرد و در عین حال از فرصت استفاده کرد تا بر طبل حمایت از «جنگ علیه تروریسم» که همچنان ادامه دارد، بکوبد.

کارزار تبلیغات از ۱۱ سپتامبر به این طرف با روحیه عمومی کاری کرده که تروریسم بلافاصله با مردانی با رنگ پوست تیره و لباس‌هایی مثل عرب‌ها یا افغان‌ها تداعی می‌شود. اما اطلاعاتی که متعاقباً منتشر شد بلافاصله این نظریه را کنار گذاشت. بر ملا شد که فرد مهاجم به‌ارودی سازمان حزب کارگر مردی موطلائی، با ظاهر اسکاندیناویایی و ملبس به لباس افسر پولیس و حرفه‌ای بوده است. قاتل نه مسلمان است و نه عضو القاعده که عضوی از جامعه ناروی است.

آندرس برینگ بریویک، نارویی است. در ناروی درس خوانده و کسب و کاری را نیز راه انداخته است. او پول کم نداشته چون مزرعه‌ای برای اداره شرکت کوچکش خریده که پیش از آن عناصر دنیای زیرزمینی جرم و جنایت مافیایی از آن، به‌عنوان کشتگاه ماریجوانا استفاده می‌کردند. این مزرعه در ضمن با ماجرای معروف یک قهره سرقت بانک ارتباط دارد. (سرقت نوکاس-ماجرای معروف دست‌برد مسلحانه به مرکزی مالی در ناروی در سال ۲۰۰۴-م)

بریویک احتمالاً برای تدارک دیدن رویدادهای روز ۴ ماه مه، شش تن کود مصنوعی، که معمولاً برای ساختن بمب‌های خانگی استفاده می‌شود، خرید و از کسب و کار مزرعه داری‌اش به‌عنوان پوشش استفاده کرد.

او ۱۰ سال، یعنی تا سال ۲۰۰۷، عضو فعال حزب نژادپرست «ترقی» (که در آن دوره در نظرسنجی‌ها حدود ۲۰ درصد رای دارد) و سازمان جوانان آن بوده است. حزب ترقی (Fremskrittspartiet) در آن دوره، با ۴۱ کرسی دومین حزب بزرگ مجلس بود. این حزب که حدود ۳۰ هزار عضو دارد تا به‌حال در دولت نبوده اما به‌سوی گرفتن دولت خیز برداشته است.

بریویک به‌شدت ضد کمونیسم و ضدمسلمان است. او پیشنهاد داده تی‌پارتی آمریکا در اروپا تأسیس شود و از «اتحادیه دفاع از انگلیسی‌ها» (اتحادیه دفاع از انگلیسی‌ها - English Defense League) بیش از این‌که سازمان باشد حرکت راست‌گرای انگلستان است که با تحریکات خیابانی به‌افزایش حضور مهاجرین مسلمان در این کشور اعتراض می‌پردازد، حمایت کرده است.

او «گرو هارلم برون‌دلانت»، نخست‌وزیر سابق ناروی، را «قاتل میهن» می‌خواند چرا که ایشان این فکر را مطرح کرد که هر کس در ناروی زندگی می‌کند، نارویی است. او در ضمن مدام از این می‌گوید که چطور «مارکسیست»‌ها ظاهراً در همه‌جا، از جمله فرهنگ و مدارس و رسانه‌ها، نفوذ کرده‌اند.

شکی نیست که این ترور، سازمان‌دهی شده و حرکتی سیاسی بود. بر قربانیان به‌دقت به‌دلایل سیاسی انتخاب شده بودند. پولیس ناروی، اعا کرده است که «بریویک» تا زمان دستگیری برای سازمان امنیت ناروی فردی کاملاً ناشناخته بوده است. واقعا چرا چنین فردی با این سابقه سیاسی و فعالیت برای پولیس و سازمان امنیت ناروی ناشناخته بوده است؟! آن‌هم در حالی که نیز استولتنبیرگ، نخست‌وزیر ناروی، درباره تأثیرات و ابعاد این فاجعه گفت: «این بزرگترین جنایت پس از جنگ جهانی دوم در ناروی محسوب می‌شود».

رسانه‌های بین‌المللی رسمی، یک‌صدا این جنایات را اعمال یک «تفنگچی دیوانه» انعکاس دادند. آیا این‌گونه تلاش کردند حواس‌ها را از محتوای سیاسی این رویدادها به‌مسئله دیگر معطوف سازند؟ در حالی که این حمله نه تصادفی و نه اتفاقی بود، بلکه سازمان‌دهی بسیار حساس و قوی بود.

«بریک» از «کارشناسان» نارویی تروریسم نیز گفته است خدمات اطلاعاتی نارویی در چند سال گذشته توجه کافی به‌خطر افراط‌گرایی راست‌گرایان نکرده است. آیا آن‌ها خبری از دیدگاه‌های راست افراطی بریویک نداشتند؟

هنوز هم بسیاری از جنبه‌های این پرونده تاریک و عدم شفافیت است. آیا بریویک به‌تنتهایی عمل می‌کرد یا بیش از یک تفنگچی در کار بود؟ اولین تصویری که داده شد این بود که او تنها عمل کرده است. اما شاهدانی هستند که می‌گویند حداقل یک نفر بدون لباس فرم در جزیره بوده که در کشتار شرکت کرده است. جالب این‌جا است که استولتنبرگ، رهبر حزب کارگر، تأکید کرده که پولیس مشغول تحقیق در مورد امکان روابط بین‌المللی است.

رهبر سازمان جوانان حزب کارگر، اسکیل پدرس، یک کنفرانسی مطبوعاتی برگزار کرد و این حمله را حمله‌ای علیه دموکراسی دانست و گفت سازمان جوانان همچنان به‌ارزش‌های خود، ضدیت با نژادپرستی و دفاع از دموکراسی و برابری ادامه می‌دهد.

استولتنبرگ، نخست‌وزیر، به‌روشنی از این جنایت تکان خورده بود و در مقابل دوربین‌های تلویزیونی گفت: «این حمله‌ای علیه جنبش کارگری نارویی، علیه حزب کارگر نارویی و سازمان جوانان آن است». اما بی‌بی‌سی نیوز، بلافاصله این پیام را رقیق کرد و گفت این حمله‌ای «علیه نظام سیاسی نارویی و ارزش‌های نارویی» است.

سیاست‌مداران راست‌گرای اروپایی مانند سران اتحادیه اروپا و در راس همه آن‌جلا مرکل صدراعظم المان، احساسات ضدمسلمانان را باد می‌زنند تا حمایت راست را جلب کنند. مطبوعات رسمی نیز هم همین سیاست خارجی‌ستیزی را تبلیغ می‌کنند. آنان غیرمستقیم گرایش‌ها و سازمان‌های افراطی و ضدمهاجر را تشویق می‌کنند.

رهبر حزب کارگر با تأکید صحیح بر این‌که این حمله‌ای علیه جنبش کارگری است، شروع کرد اما بعد گفت مساله را باید به‌پولیس سپرد. این اشتباه بزرگی بود. در جهان امروز، به‌معنای واقعی صرفاً نباید صرفاً به‌پولیس و دستگاه‌های امنیتی برای ارائه دفاع موثر علیه فاشیست‌ها اتکا کرد. سرویس‌های اطلاعاتی دولت به‌فعالیت‌های فاشیست‌ها توجه دارند اما چندان مانع فعالیت آن‌ها نمی‌شوند. چرا که دست‌کم بخشی از دستگاه‌های امنیتی و پولیس و دولت، همیشه علائق فاشیستی دارند. باور کورکورانه به‌کارآئی پولیس و حاکمیت در حفاظت از جامعه و امنیت شهروندان می‌تواند افکار عمومی جامعه را منحرف و خواب فرو ببرد که نتایجی مخرب و مرگبار دارد. باید فهمید که این قاتل و هم‌فکرانش که به‌طور سازمان‌دهی و طراحی شده از قبل دست به‌این قتل‌عام دسته‌جمعی زدند در عین حال لباس افسر پولیس پوشیده بود، می‌خواست چه پیامی به‌جامعه بدهد؟!

این حمله و حملات مشابه تروریستی در اروپا، فضائی از ترس و وحشت را در نارویی و جهان به‌راه انداخت که باید با آن‌ها مقابله کرد. «جوانان سوسیالیست» (SU-سازمان جوانان حزب چپ سوسیالیست)، چهارمین حزب بزرگ پارلمان نارویی مجبور شدند اردوی تابستانی خود را که قرار بود هفته بعد، درست در همان جزیره، صورت بگیرد لغو کردند. آن‌ها بیانیه‌ای در همبستگی با «اتحادیه جوانان کارگر» منتشر کردند که در آن رهبر این سازمان، اولاف ماگنوس لینگه، به‌درستی گفت: «برای تمام رفقای جان‌باخته، نه یک دقیقه سکوت که یک عمر مبارزه».

مثال دوم درباره حملات راسیستی به‌پناهجویان است. حملات گروه‌های خارجی‌ستیز و نژادپرست به‌کمپ‌های پناهندگی و پناهجویان از جمله از سال ۲۰۱۵ تاکنون، هم‌زمان با موج راهپیمائی پناهجویان به‌سوی اروپا، شدت گرفته است.

دولت‌های اروپایی نه تنها پناهندگان و مهاجرین بی‌دفاع و بی‌پناه، آسیب‌دیده و رنج‌کشیده، از جنگ و دیکتاتوری گریخته را از تهدیدات خود مصون نگاه نمی‌دارند؛ بلکه خود با دولت جنایت‌کاری مانند دولت ترکیه بر سر زیست و زندگی پناهندگان معامله می‌کنند. در چنین موقعیتی، روشن است که گروه‌های خارجی‌ستیز و نژادپرست در این میان، همواره اخبار نگران‌کننده‌ای در خصوص وضعیت سخت و دشوار پناجویان در برخی کشورهای اروپایی و اسکاندیناوی به‌گوش می‌رسد.

همچنین در کشورهایی همچون سوئد و آلمان که وضعیت اقتصادی و رفاهی بهتری دارند و به‌کارگر نیز نیاز دارند باز هم مهاجرین و پناجویان در این کشورها نیز از حملات گرایش‌های راست پارلمانی و راسیست‌های کلمتراشیده و چکمه‌پوش خارج از پارلمان نیز در آلمان نیستند. به‌عنوان مثال، حزب دموکرات‌های سوئد در پارلمان این کشور (حزب نژادپرست)، همواره علیه مهاجرین و پناجویان موضع‌گیری می‌گیرند و به‌طریق مختلف نپهان و آشکار گروه‌های راسیستی را تشویق می‌کنند تا کمپ‌های پناهندگی را آتش بزنند.

گروه‌های خارجی‌ستیز سوئدی که احتمالاً با «حزب دموکرات‌های سوئد» رابطه دارند با پخش شبنامه‌ها و بروشورهای تبلیغاتی در میان جامعه و پناهندگان رعب و وحشت می‌آفرینند. در این بروشورها از جمله نوشته شده است که «... پناهندگان در طول زندگی خود در سوئد نه حق داشتن مسکن و نه حق کارکردن خواهند داشت». در این بروشورهای تبلیغاتی، تأکید شده است که «پناهندگان ملزم هستند تا آخر عمر خود در کمپ و چادر زندگی کنند و به‌امکانات رفاهی دسترسی نخواهند داشت». و...

پولیس سوئد اعلام کرد که ده‌ها فرد مسلح که گمان می‌رود وابسته به‌گروه‌های نئونازی باشند، چند بار به‌پناجویان در استکهلم حمله شبانه کرده‌اند.

طبق خبرگزاری‌ها، این حملات هم‌زمان با افزایش تنش بر سر ورود پناجویان به‌کشورهای اروپایی صورت گرفته است. حضور مأموران، یگان‌های ضد شورش و هلیکوپتر پولیس در مرکز استکهلم، پس از دریافت اطلاعاتی درباره توطئه افراط‌گرایان برای حمله به‌پناجویان کم سن و سال در جمعه شب ۳۰ جنوری، تقویت شد.

به‌گفته پولیس سوئد، باندی متشکل از نزدیک به یک‌صد مرد نقاب‌پوش به‌شماری از پناجویان در استکهلم، پایتخت این کشور حمله کردند.

براساس این گزارش، این افراد در حالی که صورت‌های خود را پوشانده و بازوبند مشکی بسته بودند، اواخر شب گذشته جمعه ۳۰ جنوری ۲۰۱۶ - ۹ بهمن ۱۳۹۴، با راهپیمایی در ایستگاه اصلی قطار شهر استکهلم خارجیان را مورد ضرب و شتم قرار دادند.

این افراد همچنین به‌میدانی که در حوالی ایستگاه واقع شده و از جمله مکان‌های تجمع پناجویان به‌شمار می‌رود، حمله کردند.

روزنامه سوئدی «آفتون‌بلادت» به‌منقل از یک شاهد عینی نوشت که شاهد حمله گروهی از افراد نقابدار سیاهپوش به‌خارجیان در این شهر و مصدوم‌کردن ۳ تن بوده است.

به‌نوشته این روزنامه سوئدی، مهاجمان نقابدار به‌افراد با ظاهر خارجی حمله می‌کردند.

یک محل دیگر که کودکان تنهای پناجو در آن اقامت دارند، جمعه شب ۱۴ اگست ۲۰۱۵، در «ورمدو» حومه استکهلم مورد حمله قرار گرفت. در این محل که ۲۰ تن از پناجویان تنهای بین ۱۵ تا ۲۱ سال زندگی می‌کنند، به‌آتش کشیده شد. مردم محل موفق شدند قبل از رسیدن نیروی آتش‌نشانی، آتش را خاموش کنند.

بنا به گزارش پولیس و رسانه‌های در ماه‌های اخیر ده‌ها کمپ پناهندگی در شهرهای مختلف سویدن، توسط نازیست‌ها به‌آتش کشیده شده‌اند.

وضعیت اسکان پناجویان در ماه‌های اخیر و به‌ویژه ورود گسترده پناجویان و مهاجرین جنگ‌زده و متعاقب آن اسکان دادن آنان در کمپ‌های گوناگون در سراسر سویدن، گزارشات متعددی در مورد آتش‌سوزی‌های اخیر ارائه شده است. به‌گفته مسوولین آتش‌نشانی و نیروهای امداد، این آتش‌سوزی‌ها عمدی است. در تاریخ ۱۱ نوامبر ۲۰۱۵ در منطقه «فلودا» (بیست و هشت کیلومتری شهر گوتنبرگ، دومین شهر بزرگ سویدن) در کمون «لروم» یک کمپ موقت پناجویی به‌آتش کشیده شد. در این آتش‌سوزی که ساعت ۱۰ صبح صورت گرفت چندین کمپ موقت، آسیب‌دیده و یک کمپ نیز به‌طور کلی به‌خاکستر تبدیل شد. به‌گزارش پولیس سویدن، این آتش‌سوزی عمدی بوده و خوشبختانه به‌کسی آسیبی نرسیده است. کمپ‌های بر پا شده در این دوره، جنبه موقت داشته و قرار است که به‌زودی پناجویان به‌ساختمان‌های دائم جهت اقامت پناهنده‌گان منتقل شوند.

در این میان سخنان مقامات دولتی از حزب حاکم سوسیال دموکرات نیز بسیار تحریک‌کننده است. از جمله «مارگوت والستروم»، وزیر امور خارجه سویدن چندی پیش در گفت‌وگو با روزنامه سویدنی «داگنز نی‌هیتز» گفته بود که «این کشور به‌دلیل هجوم گسترده پناجویان در آستانه «فروپاشی» قرار گرفته است و اتحادیه اروپا باید برای کاهش فشار بر استکھلم تلاش‌های خود را افزایش دهد». او این اظهارات را در حالی عنوان کرد که کشورش در تلاش است دیگر اعضای اتحادیه اروپا را ترغیب کند تا سهم بیشتری از پناجویان را بپذیرند.

«والستروم» گفت: «تصور می‌کنم کشور ما قادر به‌پذیرش سالانه ۱۹۰ هزار پناجو نمی‌باشد. در دراز مدت این نظام فرو خواهد پاشید. این میهمان‌نوازی ما حمایت افکار عمومی را در پی نخواهد داشت».

به‌گزارش خبرگزاری‌ها، روز پنج‌شنبه ۲۲ اکتوبر ۲۰۱۵ - ۳۰ مهر ۱۳۹۴، در حمله یک مهاجم نقاب‌پوش به‌مدرسه‌ای در شهر ترولهتان واقع در غرب سویدن، یک معلم مدرسه کشته و یک معلم دیگر زخمی شد. در این حادثه دو دانش‌آموز ۱۱ و ۱۵ ساله نیز زخمی شدند که یکی از آنان بر اثر شدت جراحت وارده پس از مدتی در بیمارستان درگذشت.

به‌گزارش خبرگزاری اسوشیتدپرس، یکی از دانش‌آموزان گفته که فکر کرده مرد نقابدار به‌مناسبت جشن هالووین لباس مبدل پوشیده و وارد مدرسه شده است. دانش‌آموزان می‌خواستند از آن مرد عکس بگیرند که به‌یک‌باره با حمله او به‌سمت معلم‌شان رویه‌رو می‌شوند، می‌ترسند و پا به‌فرار می‌گذارند.

روزنامه سویدنی «داگنس نی‌هتر» روز پنج‌شنبه گزارش داد که نیروهای پولیس موفق شده‌اند با شلیک گلوله، مهاجم را متوقف کنند. این روزنامه به‌نقل از سخن‌گوی پولیس، مهاجم را «مردی نقابدار» توصیف کرده که «وارد مدرسه شده و با شمشیر چند تن را زخمی کرده است». به‌گفته سخن‌گوی پولیس، فرد مهاجم ۲۱ ساله بوده و دست‌کم یک چاقوی بزرگ یا احتمالاً دو چاقو به بزرگی شمشیر همراه داشته است.

به‌گفته سخن‌گوی بیمارستان شهر ترولهتان، فرد مهاجم بر اثر اصابت گلوله پولیس زخمی شده و هم‌اکنون تحت درمان است. به‌گفته سخن‌گوی پولیس، مدرسه‌ای که این اتفاق در آن رخ داده ۴۰۰ دانش‌آموز دارد. در محوطه این مدرسه همچنین یک پیش‌دبستان، کتابخانه و سالن‌های ورزشی نیز واقع شده‌اند. این رخداد در کافه تریای مدرسه به‌وقوع پیوسته است. شهر ترولهتان با ۵۰ هزار سکنه در ۷۵ کیلومتری شمال گوتنبرگ قرار دارد.

نهایت پولیس سویدن، اعلام کرد که لوندین پترسون، مهاجم ۲۱ ساله سویدنی، قربانیان خود را هدف‌مند و بر اساس رنگ پوست‌شان انتخاب کرده بود.

در ماه‌های گذشته، شمار زیادی از کمپ‌های در حال ساخت برای پناهمجویان در سویدن طعمه حریق شدند. برای همین مقامات سویدنی محل خوابگاه‌ها و اقامتگاه‌های پناهمجویان را مخفی نگاه می‌دارند. در عین حال هنوز هیچ‌یک از عاملان حمله به این نقاط شناسائی نشده‌اند.

هلنه لوه، کارشناس پدیده راست‌گرایی افراطی، در یک برنامه تلویزیونی نسبت به پدیده خارجی‌ستیزی هشدار داده و گفته است که دست راستی‌ها در دهه نود اقدامات خود را با دو قطبی شدن جامعه توجیه می‌کردند و اینک نیز نشانه‌های نگران‌کننده مشابهی دیده می‌شوند.

بنا بر اعلام «شورای مبارزه با جرایم» سویدن، در سال ۲۰۱۴ نزدیک ۶۳۰۰ فقره جرم با انگیزه نفرت در این کشور روی داده که بی‌سابقه بوده است.

در میان جرایم ثبت شده، رقم دیگری هم افزایش یافته است: هشت درصد این بزها مربوط به مناقشات مذهبی بوده‌اند. اما بیش‌ترین درصد جرایم یعنی ۶۹ درصد آن‌ها همانند قبل، انگیزه‌های «نفرت از بیگانه» داشته‌اند.

با ورود موج اخیر متقاضیان پناهندگی به شهرهای سویدن، نفرت‌پرانی علیه بیگانگان در اینترنت نیز تشدید شده است. شورای یاد شده می‌گوید شعارها، پیام‌ها، عکس‌ها و تحرکات ضدخارجی در اینترنت گسترش کم‌سابقه‌ای یافته‌اند.

سویدنی‌ها می‌گویند که مخارج پناهندگان باید کاهش یابد. نخست وزیر سوسیال دمکرات سویدن، استنفان لوفون، روز جمعه ۲۳ اکتوبر ۲۰۱۵، اعلام کرد که اوضاع در درازمدت قابل تحمل نخواهد بود.

پس متقاضیان پناهندگی به جای اقامت دائمی تنها اقامت محدود می‌گیرند و پس از انقضای این اقامت، بار دیگر شرایط متقاضی بررسی خواهد شد. فراگیری زبان سویدنی باید از همان آغاز شروع شود و هر کس پاسخ منفی گرفته باید فوراً کمپ پناهمجویی را ترک کند. افزون بر این، اتحادیه اروپا باید پناهمجویان مازاد در سویدن را همانند یونان و ایتالیا، در کشورهای دیگر تقسیم کند.

در این میان، تأمین امنیت اقامتگاه‌های پناهندگی از سوی کمیته قضائی پارلمان سویدن، به‌روسای پولیس و اداره امنیت دولتی محول شده است.

سویدن با جمعیت ۹ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر که تقریباً بالاترین نسبت سرانه پناهمجویان را در میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا دارد، اخیراً اعلام کرده است که قصد اخراج ۸۰ هزار تن را در سال‌های آتی دارد.

اما پذیرش پناهمجویان جدید در این کشور، پس از اجرای برنامه کنترل کارت‌های شناسائی عکس‌دار به‌شدت کاهش یافته است.

هنگامی که در جنوری سال ۱۹۹۶، یک کمپ پناهمجویان در شهر لوبک المان به‌آتش کشیده شد، ده تن جان‌شان را از دست دادند. تا به‌حال عاملان این حمله که مواد آتش‌زا به‌سوی این کمپ پرتاب کرده بودند، پیدا نشده‌اند.

اکنون کمپ‌های آوارگان در المان، دوباره به‌آتش کشیده می‌شوند. عاملان این حملات، به‌طور فزاینده‌ای گروه‌های خارجی‌ستیز هستند.

در المان رسانه‌ها تقریباً روزانه از حمله با مواد آتش‌زا به کمپ‌های آوارگان گزارش می‌دهند. به‌طور مثال در شهر ۴۰ هزار نفری بُرکن واقع در منطقه مونسترلند، ظاهراً یک فرد ناشناس اول شیشه پنجره ساختمانی را که برای اسکان پناهمجویان آماده شده بود، شکست و بعد به‌آن‌جا مواد آتش‌زا انداخته شد. خوشبختانه این کمپ خالی بود و کسی زخمی نشد.

۲۰ سال پیش وضعیت در شهر لوبک المان به‌گونه دیگری بود. در شب حادثه، ۴۸ تن در این سرپناه آوارگان در سرک «هفن شتراسه» اقامت داشتند. حدود ساعت سه و نیم شب به‌تاریخ ۱۸ جنوری این ساختمان محل اقامت آن‌ها به‌آتش کشیده شد.

برخی از ساکنان این کمپ از پنجره‌ها به‌پائین پریدند، برخی دیگر به‌خاطر دود غلیظ خفه شدند. در نهایت ۱۰ تن جان‌شان را از دست دادند و ۳۸ تن دیگر زخمی شدند که جراح‌های برخی از آن‌ها شدید بود. این بدترین حمله با مواد آتش‌زا به‌آوارگان در تاریخ المان فدرال بود. به‌مناسبت بیستمین سال‌گرد این اقدام ترویستی، دفتر مطبوعات شهر لوبک با نشر اعلامیه‌ای از یکی از غم‌انگیزترین روزهای تاریخ جدید لوبک سخن زد.

امروز در محل کمپ آوارگان در سرک «هفن شتراسه ۵۲» که ۲۰ سال پیش به‌آتش کشیده شده بود، پارکینگ یک شرکت قرار دارد. این‌جا مسئولان شهر به‌رسم یادبود یک لوحه برونزی نصب کرده‌اند. میثائل بوتی پر نیز در مراسم یادبود از قربانیان آتش‌سوزی شرکت می‌کند. او در زمان وقوع حادثه منصب شهرداری لوبک را داشت. او در آن زمان در برابر دوربین‌های تلویزیون نتوانست یا نخواست جلو اشک‌هایش را بگیرد.

تأثر او همین حالا هم بعد از گذشت ۲۰ سال هنوز آشکار است. یک دلیل ناراحتی او این است که در آن سال‌ها آتش‌سوزی در سرک «هفن شتراسه» تنها مورد نبوده است.

در گفتگو با دویچه‌وله، بوتی پر از «چهار سال آتش‌سوزی» سخن گفت: در سال ۱۹۹۴ کنیسه یهودیان در شهر لوبک به‌آتش کشیده شد. در سال ۱۹۹۵ افراد ناشناس دوباره سعی کردند کنیسه را به‌آتش بکشند. در سال ۱۹۹۶ کمپ آوارگان در سرک «هفن شتراسه» به‌آتش کشیده شد.

در سال ۱۹۹۷، یک کلیسای کاتولیک در شعله‌های آتش سوخت. کشیش این کلیسا به‌یک خانواده الجزایری پناه داده بود. بوتی پر در آن زمان، هدف حمله با بمبی قرار گرفت که در بسته پستی جای داده شده بود. یک خانم همکار او در این حمله به‌شدت زخمی شد. آن‌چه که این شهردار پیشین را به‌شدت ناراحت می‌کند، این است که عامل یا عاملان ده مورد قتل در سرک «هفن شتراسه» تا به‌حال پیدا نشده‌اند.

بوتی پر گفت که تحقیقات در آن زمان یک طرفه بوده‌اند و فقط علیه ساکنان کمپ پناهندگان تحقیق شده است. به‌گفته این شهردار پیشین در مورد احتمال دست داشتن خلاف‌کاران راست‌گرای افراطی در این جنایت تحقیق نشده است و پولیس مدارک و شواهد در این زمینه را نادیده گرفته است. بوتی پر گفت که مدارک اثبات ناپدید شده و شبکه‌های ارتباطی (تبه‌کاران راست‌گرا) در نظر گرفته نشده‌اند.

وُلف دیتِر فُگل، خبرنگار از برلین در مقایسه با آن زمان از روند مثبت سخن گفته و می‌گوید که مردم اکنون همبستگی‌شان را با آوارگان نشان می‌دهند: «امروز انسان‌های بسیاری از آوارگان حمایت می‌کنند و نسبت به‌حملات علیه آوارگان نگاه متفاوتی دارند». اما این خبرنگار می‌گوید که موارد روزافزون حمله با مواد آتش‌زا از سال گذشته بدین سو او را بسیار نگران کرده است.

سازمان مدافع حقوق پناهندگان، «پرو آزول» از 528 مورد تهاجم به‌اردوگاه‌های آوارگان در سال گذشته میلادی سخن گفته است. پولیس جنائی المان فدرال از ۹۲۴ مورد اعمال خلاف علیه سرپناه‌های آوارگان اعلام کرده که بیش از چهار برابر در همان دوره زمانی در سال ۲۰۱۴ است.

هولگر مونس، رئیس پولیس جنائی المان فدرال در این‌باره گفته است: «طیف راست‌گرا از پیش‌داوری‌های مردم استفاده ابزاری می‌کند... و سعی می‌کنند به‌این وسیله به‌طبقه متوسط جامعه راه یابند». به‌نظر می‌آید که راست‌گرایان در این



زمینه موفق بوده‌اند. او می‌گوید: «تقریباً ۷۰ درصد از مهاجمان مظنون به حمله به سرپناه‌های آوارگان اشخاصی هستند که تا به حال سابقه اعمال خلاف با انگیزه سیاسی را نداشته‌اند».

توماس دیمزیر، وزیر کشور المان فدرال در ماه اکتوبر سال گذشته، گفته بود که افزایش شمار انسان‌هایی که از خشونت کار می‌گیرند، نگران‌کننده است.

وزیر کشور المان، در آن زمان اداع کرده بود: «ما باید به آن‌ها بفهمانیم که اعمال خلاف‌شان مانند زخمی‌کردن، سعی به قتل و حمله با مواد آتش‌زا غیرقابل قبول است.» دیمزیر افزود که دو سوم از مظنونان «شهروندانی از همان مناطق هستند و تا به حال هیچ کار خلافی انجام نداده بودند».

یک شب در ساختمان‌هایی که بیش‌تر ساکنان‌شان خارجی بودند، سه آتش‌سوزی شدید رخ داد. دست‌کم یک مورد آتش‌سوزی عمدی بوده است. در یک آتش‌سوزی چهار تن کشته شدند.

آتش‌سوزی در پشت بام یک خانه در شهر فورتنس هایم المان چهار کشته و چهار زخمی برجای گذاشت. سخن‌گوی پولیس گفت: «هنوز معلوم نیست که این حمله با انگیزه دشمنی با خارجی‌ها انجام شده باشد». هویت قربانیان تا نخستین ساعات سه‌شنبه صبح مشخص نشده بود. فورتنس هایم در ایالت بادن وورتمبرگ قرار دارد.

احتمالاً هنگامی که سقف شیروانی خانه در آتش می‌سوخته، چهار قربانی آن‌جا به سر می‌بردند. سخن‌گوی پولیس گفت: «به‌مدت کوتاهی پیش از نیمه‌شب تماس عاجل گرفته شد. سقف را شعله‌های آتش فراگرفته بود».

این خانه به‌گفته اداره‌های محلی در منطقه عمدتاً خارجی‌نشین شهر قرار دارد. اما مقام‌ها گفتند که این‌جا «اقامتگاه پناجویان نیست».

در گودنسبرگ واقع در شمال ایالت هسن ۱۲ تن در آتش‌سوزی یک خانه که بیش‌تر ساکنان آن خارجی بودند، زخمی شدند.

به‌گزارش یک سخن‌گوی پولیس جراحات‌های پنج تن از آن‌ها شدید است. او گفت که بیش‌تر ساکنان این خانه کارگران بلغاری و همچنین چند کارگر لهستانی و خانواده‌هایشان هستند. آن‌جا هیچ پناجویی اسکان داده نشده بود.

پولیس گفته که هیچ مدرکی دال بر حمله با مواد آتش‌زا وجود ندارد. این خانه به‌طور کامل سوخت و از هم فروپاشید. یک خانه در ایالت بادن وورتمبرگ که پناجویان آن‌جا جای داده شده بودند، به‌آتش کشیده شده است. اما ظاهراً هیچ‌کس زخمی نشده است. یک سخن‌گوی پولیس گفت که این آتش‌سوزی عمدی بوده است.

پنج نفر در یک آتش‌سوزی سرپناه مهاجران در هیپین‌هایم نزدیک به فرانکفورت زخمی گردیدند.

پولیس تأیید کرد که پنج نفر در یک آتش‌سوزی در هیپین‌هایم واقع در غرب ایالت هسن المان زخمی گردیده‌اند.

در یک کمپ پناجویی که در ۶۰ کیلومتری جنوب فرانکفورت قرار دارد، ۶۰ پناجو از کشورهای سوریه، عراق، حبشه، الجزایر و سومالیای زندگی می‌کنند طعمه آتش گردید. مقامات گفته‌اند که این ساختمان اکنون غیرقابل سکونت است و در صدد یافتن یک مکان مناسب دیگر برای اقامت این پناجویان می‌باشند.

آتش‌سوزی جمعه اندکی پس از خشونت علیه مهاجران در هایدناو واقع در شرق المان و چندین مورد حملات آتش‌سوزی عمدی بر اقامتگاه‌های پناجویان در برلین، نیدرزاکسن و بایرن صورت می‌گیرد.

هنس گیورگ ماسن، رئیس اداره «حفاظت از قانون اساسی» یا استخبارات داخلی المان زنگ خطر را به‌صدا درآورد. به‌گفته او، فضای داغ بحران پناجویان خطر به‌میان آمدن ترور از سوی راست‌گرایان افراطی را بیش‌تر کرده است. او به‌مجله اشترن المان گفت: «ما نمی‌توانیم رد کنیم که در جو موجود گروه‌هایی تشکیل گردند که آماده باشند حملات تروریستی دست‌راستی افراطی را انجام دهند».

جورج ماسن رئیس اداره امنیت داخلی المان، مسؤول این حملات را احزاب راست‌گرای افراطی همانند «ان دی پی» و «راست‌ها» خوانده و گفته است: «آن‌ها با تبلیغات تندشان مسؤول‌اند، زیرا یک تعداد افراد را به‌خشونت وا می‌دارند».

دیتمار وودیک، نخست وزیر ایالت براندنبورگ المان از حزب سوسیال دموکرات (اس.پی.دی) نیز نسبت به‌ترور جریان‌دست‌راستی در المان هشدار داده است. این سیاست‌مدار المانی در نشست بیست و پنج سالگی موجودیت بارندنبورگ در (فرانکفورت اودر) به درستی گفت است «حملاتی که امروز علیه مهاجران صورت می‌گیرد، نوعی از تروریسم است. او اضافه کرد این ارباب پناهجویان در عین زمان یک اقدام بزرگ علیه جامعه مدنی است».

وودیک، به‌حملات محلات اقامت پناهندگان در براندنبورگ و دیگر نقاط المان اشاره کرد و گفت که چنین حملاتی امکان دارد ادامه یابد: «افراطگرایی دست‌راستی همیشه براندنبورگ را متضرر ساخته است». وی اضافه کرد که در ارتباط با بحران مهاجرین در کشوری مثل المان، همیشه از هزینه‌ها و مصارف صحبت کردن کاری «کاملاً بی‌ارزش» است.

مارتین دلینگ، وزیر اقتصاد ایالت زاکسن از حزب سوسیال دموکرات به‌روزنامه «زوپر ایلو»، ضمن اشاره به‌آرامی‌ها در هایدناو گفته است که این «یک فاجعه اقتصادی است، زیرا با نفرت از خارجی‌ها، تصویر مدرن و پذیرا برای جهان زاکسن، برعکس آن می‌گردد».

در هایدناو، این شهر کوچک ایالت زاکسن، صدها تن از افراد گروه‌های خارجی‌ستیز در مقابل یک اقامتگاه پناهجویان آشوب برپا کردند. بیش از ۳۰ پولیس زخمی شدند. از جانب دیگر مردم زیادی همبستگی‌شان را با پناهجویان ابراز داشتند.

ولفگنگ تیفن زی، وزیر اقتصاد تورینگن از حزب سوسیال دموکرات المان، به‌روزنامه «زوپر ایلو»، گفته است که تظاهرکنندگان «پگیدا» نیز به‌وجه این منطقه، آسیب رسانده است.

این ایالات المان که روی سرمایه‌گذاری خارجی و صادرات استوار است، نیاز به‌فضای امن و پذیرای جهانی دارند که در آن جایی برای نفرت از خارجی‌ان وجود نداشته باشد. این مسأله از آن جهت نیز اهمیت بیش‌تر دارد که تنها تورینگن تا سال ۲۰۲۵ به‌حدود ۲۸۰ هزار نیروی حرفه‌ای نیاز مند است.

دیتر وایدلیخ، از اتحادیه ابتکار زاکسن، بنا به‌گزارش روزنامه «زوپر ایلو» بر این عقیده است که در عین زمان آشوب‌های دست‌راستی‌های افراطی «تمام منطقه و شرکت‌ها را در معرض خطر قرار داده است». طبق گزارش این روزنامه، هارتموت بونزن، سخن‌گوی گروه کاری اتحادیه تصدی‌های شرق المان و برلین علیه خسارت ترمیم‌ناپذیر هشدار داده است.

یک مرد ۲۸ ساله به‌یک کمپ پناهجویان در شهر مساو، گاز اشک‌آور انداخته که در اثر آن، تعدادی از پناهجویان آسیب دیده‌اند. یک سخن‌گوی پولیس گفته است که نجات‌دهندگان ۴۰ پناهجو را معاینه کرده‌اند که آن‌ها دچار مشکل تنفسی و چشم شده‌اند. از جمله آسیب‌دیدگان دو سالمند و هشت طفل برای کنترل بیش‌تر به‌بیمارستان انتقال داده شده است.

شایان ذکر است که بیست سال پیش، یعنی در ۲۹ می ۱۹۹۳، نژادپرستان، هنگام شب، خانه یک خانواده بزرگ ترکیه‌ای را در المان به‌آتش کشیدند. نام «زولینگن»، شهری که این حادثه در آن اتفاق افتاد، خارجی‌ستیزی بالاست.

بر اثر این آتش‌سوزی، چهار دختر و زن جوان جان باختند و شمار زیادی از اعضای خانواده ترکیه‌ای تبار «گنیش» شدیداً زخمی شدند. «مولوده گنیش» مادر این خانواده، هنگامی که کودکان‌اش را از دست داد، پنجاه ساله بود. او آن زمان را چنین به‌یاد می‌آورد:

«از آن زمان تا حالا که بیست سال می‌گذرد، من به‌عنوان مادر درد را احساس می‌کنم. این درد تا هنوز باقی است. و این درد را تا آخر زندگی فراموش نمی‌کنم».

خانم مولوده گنیش، زمانی که او در سال ۱۹۷۳ از ترکیه به‌المان آمد، به‌کار نظافت مشغول شد تا خانواده‌اش را کمک کند. وی آن لحظه را احساس می‌کند که چهار نوجوان خانه آن‌ها را در شب ۲۹ می ۱۹۹۳ زنده‌زنده در آتش سوختند. بر اثر این آتش‌سوزی، مولوده گنیش و همسرش، دو دختر و دو نوه‌شان را که در این شب به‌دیدار آن‌ها آمده بودند، از دست دادند.

مولوده گنیش امروز ۷۰ ساله است و هنوز هم با خانواده‌اش در شهر زولینگن زندگی می‌کند، چون فرزندان نیز در این شهر ساکن هستند.

خانم ایونا سچراکی، می‌گوید: با وجود تلاش‌هایی که علیه احساسات ضدخارجی صورت گرفته است، این احساس هنوز هم در این شهر وجود دارد. این خانم یونانی تبار، از ۱۵ سال به‌این سو در جهت ایجاد تفاهم میان ملیت‌های مختلف در المان مبارزه می‌کند، و از جمله عضو هیئت مشورتی در امور مهاجران در پارلمان منطقه‌ای است. وی در باره پیش‌داوری‌ها و احساس ضدخارجی می‌گوید:

«من فکر می‌کنم که تحولات اجتماعی، بحران مالی و حوادث ۱۱ سپتامبر و بعد از آن دلایلی اند که پیش‌داوری‌های انسان‌ها مورد تأیید قرار گیرند و احساس ناامنی و ترس وجود داشته باشند». خانم ایونا سچراکی می‌افزاید: «من احساس می‌کنم که ضروری‌ست همین حالا ما دست به‌اقدامات بیشتر بزنیم، زیرا اکنون من افزایش موضع‌گیری‌های افراطی را آشکارا می‌بینم و ما باید مراقب جامعه باشیم، چون مسأله بر سر حفظ دموکراسی است». انجمن زنان ترکیه ای نیز همواره این ناراحتی‌ها را احساس می‌کنند. ناراحتی از این ناحیه که در المان مورد تبعیض قرار می‌گیرند و به‌انزوا کشیده می‌شوند.

به‌خصوص بعد از افشای جزئیات بیشتر از جنایات با انگیزه‌های نژادپرستی سازمان مخفی ناسیونال سوسیالیستی (نازی‌های نو یا نئونازی‌ها)، پیش‌داوری‌ها و احساسات ضدخارجی در المان بیشتر مورد بحث قرار می‌گیرند.

شامگاه دوشنبه اول اکتوبر ۲۰۱۵، گروهی تقریباً ۱۰۰ نفره تلاش کردند با پرتاب سنگ و به‌کارگیری خشونت وارد یکی از قرارگاه‌های پذیرش پناهندگان در شمال یونان شوند.

این پناهجویان می‌خواستند از بندر پاتراس به‌کمک قایق راهی سواحل ایتالیا شوند و خود را به‌کشورهای شمالی اروپا برسانند.

سازمان عفو بین‌الملل اعلام کرده است که وضعیت پناهجویانی که از سوی حکومت استرالیا در کمپ‌های نارو و مانوس نگهداری می‌شوند رضایت‌بخش نیست.

این سازمان با انتشار گزارش تازه‌ای گفته است که پناهجویان در این کمپ‌ها از مشکلات فراوان رنج می‌برند که کمبود امکانات سلامتی از عمده‌ترین آن به‌شمار می‌رود.

سه‌شنبه دهم فروردین [حمل] ۱۹۳۵- بیست و نهم مارچ ۲۰۱۶

ادامه دارد